

گفتمان معنوی انقلاب اسلامی و باز تولید قدرت نرم با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

موسی یاری خانی^۱، محمد هادی فلاحتزاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

چکیده:

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک انقلاب برخاسته از فرهنگ دینی با تکیه بر معنویت به‌مثابه قدرت نرم توانست به پیروزی برسد و جمهوری اسلامی را تثبیت کند؛ معنویت، مؤلفه‌ای است که در بیانیه گام دوم نیز به‌عنوان یکی از محورهای اصلی این سند راهبردی مورد توجه قرار گرفته است؛ از این رو ضرورت دارد جایگاه معنویت در قدرت نرم انقلاب اسلامی مورد بازخوانی قرار گرفته و به مسائلی نظیر «نقش و کارکرد معنویت در ارتقاء قدرت نرم انقلاب اسلامی، شاخصه‌های معنویت دینی و انقلابی، ویژگی گفتمان‌های رقیب نسبت به گفتمان معنوی انقلاب اسلامی، و نقش اساسی عنصر معنویت در افزایش قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح داخلی و بین‌المللی» توجه گردد. در پژوهش حاضر توجه به شاخص‌های معنویت مورد نظر بیانیه گام دوم مثل ارزش‌های معنوی اخلاص، ایثار، توکل، ایمان و عقلانیت مطرح شده که در گفتمان رقیب یعنی معنویت‌های نوظهور دیده نمی‌شود و بلکه آن‌ها با به انزوا کشاندن اعضا، فرقه‌گرایی غیرعقلانی و تکثرگرایی افراطی فرقه‌ها و با استفاده از نمادگرایی به دنبال پر کردن خلأ معنوی انسان عصر مدرنیته بوده‌اند که تبیین گفتمان معنوی انقلاب اسلامی برای افکار عمومی راه مقابله با چالش‌ها و مخاطراتی است که جریان‌های نوپدید برای معنویت اصیل انقلابی ایجاد می‌کنند.

واژگان اصلی:

گفتمان معنوی، قدرت نرم، بیانیه گام دوم، شاخص‌های معنویت، گفتمان رقیب.

۱- عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) شهری،
ایران (نویسنده مسئول)
m.yarikhani57@gmail.com

۲- عضو هیات علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، ایران

۱- مقدمه

انقلاب اسلامی ایران با مدد جستن از ایمان، معنویت و باورهای دینی توانسته تاکنون در برابر تندباد دشمنی‌ها و حوادث سرفراز به حیات و بقاء خود ادامه دهد، آموزه‌های دینی علاوه بر الهام‌بخش بودن و اعطاء انگیزه الهی، با برخورداری از انسان‌ها از بینش توحیدی، آنان را به افق‌هایی از ادراک می‌رساند که هدف زندگی را صرفاً برخورداری از مظاهر پوچ مادی ندانسته و رسالت خود را تحقق آرمان الهی انبیاء و اولیاء یعنی برپایی نظامی که بر اساس عدالت و توحید، سعادت دنیوی و اخروی را برای بشریت به ارمغان بیاورد می‌دانند، از این رو در فهم درست جایگاه معنویت در قدرت نرم انقلاب اسلامی ضرورت دارد به این سؤالات پرداخته شود: معنویت چه نقش و کارکردی در ارتقاء قدرت نرم انقلاب اسلامی دارد؟، شاخصه‌های معنویت دینی و انقلابی چیست؟، گفتمان‌های رقیب گفتمان معنوی انقلاب اسلامی دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟ و اینکه عنصر معنویت نقش اساسی در افزایش قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح داخلی و بین‌المللی داشته است؟، شاخصه‌های این معنویت چنانکه در بیانیه گام دوم مطرح‌شده، ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در زندگی فردی و اجتماعی است، می‌توان گفت رقیب گفتمان اصیل معنوی انقلاب اسلامی معنویت‌هایی نوظهوری است که عمده اهداف آنان پر کردن خلأ معنوی انسان عصر مدرنیته است، از این رو اهمیت عنصر معنویت در بازتولید قدرت نرم انقلاب اسلامی و نیز چالش‌ها و مخاطراتی که جریان‌های نوپدید برای معنویت اصیل انقلابی ایجاد می‌کنند بیانگر ضرورت پرداختن به این موضوع است، هرچند در برخی آثار پیرامون گفتمان معنوی انقلاب اسلامی تحلیل صورت گرفته (افضلی، رسول و دیگران ۱۳۹۷ صص ۱۲۱-۱۴۲ و موسوی جشنی، ۱۳۹۰) اما پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیلی توصیفی درصدد است به تبیین و مقایسه دو گفتمان معنوی و بررسی نقش آنان در افزایش یا کاهش قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بپردازد.

گفتمان انقلاب اسلامی توانست جریان‌های ملی‌گرای سکولار، مارکسیستی و سلطنت‌طلب وابسته به قدرت‌های جهانی را به انزوا کشانده و با طرح قرائتی کارآمد در برابر قرائت‌های واپس‌گرایانه از دین، یک نظام مبتنی بر آموزه‌های الهی را بنیان‌گذار، بدون شک مهم‌ترین دلیل بر کارآمدی گفتمان معنوی انقلاب اسلامی، وقوع آن و نیز بقاء و گسترش دایره نفوذ آن است، امروز جبهه مقاومت در

غرب آسیا، جهان اسلام و فراتر از آن با الهام از گفتمان معنوی انقلاب اسلامی توانسته هژمونی امپریالیسم را به چالش بکشد.

۲. مفهوم شناسی

معنویت: برخی واژه معنویت در لغت را معرب مینوی پارسی به هر آنچه شامل یا مربوط به معنی و روح باشد گفته می‌شود و مقابل ظاهری و مادی است. اما واژه معنویت در لاتین از ریشه (spiritus) (به معنای نیرو - نیروی زندگی گرفته شده است. به لحاظ مبانی فکری و فلسفی و نوع جهان بینی می‌توان تعاریف متنوعی از معنویت داشت، از جمله نویسندگان غربی دارای سه رویکرد می‌باشند: یک گروه معتقدند مسیحیت همزاد و همسو با معنویت است، دیدگاه دوم معنویت را امری فارغ از دین دانسته و معتقدند معنویت امری زیستی و بخشی از سازه شخصیت بوده (کیانی، ۱۳۹۴، ۹۷)، اما دیدگاه سوم رویکرد متضاد با دین را برای معنویت قائل بوده و معنویت را محصول تجربه شخصی می‌داند، اما معنویت از دیدگاه برخی اندیشمندان مسلمان در ذیل جهان بینی الهی دیده شده که از ویژگی‌هایی همچون الهی بودن، دارای منشأ غیرمادی، مؤثر در رشد و کمال و نیز مورد تأیید اولیای دین هست و جستجوی معنویت خارج از چارچوب‌های دینی بدعت و انحراف محسوب می‌شود از این رو ساحات مختلف دین یعنی بخش باورها، اعمال و اخلاق دارای ماهیت معنوی بوده و به وسیله صبغه معنوی تضمین شده است شهید مطهری معنویت را شناخت خدا و ماورای طبیعت و ایمان به آن می‌داند و انسان را شایسته‌ترین آیت و دروازه برای پرداختن به معنویت و ایمان به غیب و ملکوت معرفی می‌کند (مطهری ۱۳۸۷، ۴۶۱).

قدرت: این واژه در لغت کیفیتی نفسانی است که منشأ انجام کاری یا ترک آن خواهد شد (ملاصدرا، ۱۳۹۷، ۲۶۸)، قدرت در تعریفی دیگر به مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی گفته می‌شود که موجب به اطاعت درآوردن فرد یا گروه توسط فرد یا گروه دیگر می‌گردد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ۵۶)، بنابراین مفهوم قدرت با توجه به زمینه و مجرای اعمال آن می‌تواند از مفهومی ساده شروع شده و با توجه به مقتضیات پیچیدگی‌های بسیار پیدا کند بدین ترتیب قدرت با توجه به متعلق خود می‌تواند دارای ابعاد مختلف باشد در مجموع می‌توان قدرت را تحمیل خواست و اراده دانست که اگر از سوی شخص حقیقی باشد قدرت فردی و اگر از سوی شخصیت حقوقی باشد قدرت سیاسی قضایی

نظامی و اجتماعی باشد.

قدرت نرم به‌عنوان مفهوم دیگر، به معنای واداشتن دیگری به انجام عملی از طریق منبع قدرت پنهان از قبیل ایدئولوژی فرهنگ و نهادهاست و این نوع از قدرت در مقابل قدرت سخت که مبتنی بر تهدید نظامی و اقتصادی است، تعریف می‌شود. مشروعیت سیاست‌های یک کشور برگرفته از بهره‌مندی از عامل قدرت نرم هست، بدین ترتیب عنصر فرهنگ و دسترسی به اطلاعات که جنبه فراملی داشته باشد، می‌تواند برد قدرت یک واحد سیاسی را افزایش داده، امری که به‌وسیله قدرت سخت قابل دستیابی نیست (نای، ۱۳۹۲، ۱۹) بنابراین در قدرت نرم، بر عناصر نرم افزاران مثل ایجاد رغبت و جاذبه مثبت در راستای کسب نتایج مطلوب تکیه می‌شود قدرت نرم را می‌توان رسیدن به نتایج دلخواه بدون تهدید و تشویق آشکار و ملموس دانست که از منابع آن فرهنگ و ارزش‌های سیاسی و مطلوب‌های سیاست خارجی هست بنابراین تهدید نرم با هدایت نخبگان و بدنه اجتماعی، روش غیرمستقیم، اقناع و جهت‌دهی به ترجیحات مخاطبین به اهداف خود نزدیک می‌شود.

با توجه به تبیین قدرت نرم، قدرت نرم انقلاب اسلامی نیز در مفاهیم مذکور تحلیل می‌شود و بر این نکته تصریح می‌گردد که انقلاب اسلامی با درهم شکستن سلطه قدرت‌ها در عرصه بین‌الملل و تغییر معادلات جهانی و منطقه‌ای توانسته باور به توانمندی‌های خود را در اندیشه مستضعفان و مسلمانان جهان تقویت کند (صحیفه نور، ۱۳۸۹، ۱۴۱) و با پیگیری سیاست مستقل از نظم نوین جهانی (new world order) نویدبخش قطب جدیدی از قدرت باشد که ملت‌های مسلمان و مظلوم آن را امید و ملجأ خود بدانند (صحیفه نور، ۲، ۲۳۸)، همچنین انقلاب اسلامی با ارائه یک نوع نظریه عقلانیت دینی در برابر عقلانیت مادی و نیز ارائه تفکر وحدت بین علم و دین، حکومت و دین، توسعه اجتماعی و دین را مطرح نمود (محمدی، ۱۳۹۰، ۵۹) از سوی دیگر گسترش بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم در لبنان، فلسطین، یمن، افغانستان و سایر کشورها شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن حکومت‌های وابسته به آن‌ها در منطقه، افزایش نقش قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در تحولات منطقه و جهان و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان، الهام گرفته از فرهنگ معنوی ایثار و شهادت است که در پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نقش اساسی داشته است. «نظام اعتقادی اسلام که مفاهیم جهاد و

شهادت اساس آن است تأثیرات بسیاری بر روحیه و شادابی جمهوری اسلامی ایران دارد. این نظام اعتقادی اشکال قدرتمندی از شهادت و بی‌باکی را می‌آفریند که برای پیروزی در صحنه نبرد حیاتی است» (پیل، ۱۳۶۸، ۴۲۳).

همچنین انقلاب اسلامی توانست با احیاء هویت اسلامی بر اساس همبستگی دین و سیاست و نفی رویکردهای سکولاری و لیبرالی نظام جمهوری اسلامی را مستقر ساخته و با اتکا بر قدرت معنوی و نمایاندن اهمیت معنویت اسلامی برای حرکت بخشی به مبارزات انقلابی ملت‌های مسلمان، باور به قدرت دین و انگیزه‌های مذهبی در مبارزه و انقلاب را به اثبات برساند، همه‌ی این کامیابی‌ها بیانگر مهم‌ترین بعد انقلاب اسلامی یعنی قدرت نرم آن است بازخوانی این بعد اساسی و سرنوشت‌ساز می‌تواند رویش و باروری اندیشه انقلاب اسلامی را نه تنها در داخل کشور و ملت‌های مسلمان بلکه در بین همه‌ی ملت‌های حق‌طلب و تحت سلطه قدرت‌ها استمرار بخشد.

۳. اهداف تهدید نرم علیه جمهوری اسلامی ایران

پیروزی انقلاب اسلامی و تاب‌آوری آن در برابر انواع دشمنی‌ها و فشارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی نظام سلطه امری نبود که موجب دست کشیدن دشمنان از دشمنی شود، بلکه شاهد هستیم که هر روز در شکلی متفاوت و طرحی نو پیگیر تقابل با انقلاب اسلامی هستند، کانون اصلی دشمنی‌ها هم صهیونیسم جهانی به سرکردگی ایالات متحده، تلاش داشته تا با کلید زدن پروژه‌های اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی هژمون خود را بر جهان اسلام و ایران عملی کند، ایالات متحده با طرح اسلام‌هراسی و حمایت از تروریسم تکفیری در صدد بوده ضمن به بیراهه کشاندن اسلام سیاسی، با تخریب چهره نورانی اسلام، از گرایش انسان‌های به سوی اسلام جلوگیری کرده و اسلام سیاسی را مترادف با تروریسم و دشمن تمدن غرب معرفی کرده، انتساب حمله مشکوک یازده سپتامبر به مسلمانان و طرح جنگ صلیبی جدید توسط جرج دبلیو بوش بخشی از این رویکرد است، از سوی دیگر با دوقطبی سازی فضای فکری و سیاسی جهان اسلام میان قطب شیعی به رهبری جمهوری اسلامی ایران و قطب سنی به رهبری عربستان سعودی، در صدد روشن کردن آتش نزاع فرقه‌ای در جهان اسلام بودند تا ضمن تحلیل رفتن قدرت ملت‌های مسلمان، حاشیه امن برای ادامه حیات رژیم صهیونیستی ایجاد کنند و با دامن زدن به ایران‌هراسی زمینه‌سازی برای انزوای سیاسی و

اقتصادی ایران و نیز موجه جلوه دادن فشارهای سیاسی اقتصادی علیه ایران را به انجام رسانند. همچنین یکی از زمینه‌های مواجهه نرم با گفتمان انقلاب اسلامی گسترش و عرضه معنویت‌های کاذب در عرصه فرهنگ جهانی و به‌ویژه در فضای فرهنگی کشور در راستای دگرگونی هویت ملی و مذهبی است، هدف قرار دادن مهم‌ترین عنصر و هسته سخت فرهنگی جامعه انقلابی، یعنی شاخص‌های معنوی و عرضه بدیل آن می‌تواند علاوه بر خلع سلاح گفتمان معنوی انقلاب اسلامی زمینه تغییر ایدئولوژی حاکم، تغییر هویت دینی و ملی شهروندان با تخریب باورها و هویت دینی منجر شود. تغییر نظام اعتقادی به نفع لیبرالیسم فکری سیاسی، بی‌تفاوت کردن آحاد جامعه به‌ویژه جوانان، کاهش انسجام فرهنگی و اجتماعی جامعه و گسترش واگرایی و شکاف‌های مذهبی، ترویج پلورالیسم و نسبی‌گرایی، القای ناکارآمدی گفتمان معنوی اصیل و الهام‌بخش، سوق دادن فضای سیاسی به سوی بحران مشروعیت دینی، حرکت در راستای استحاله فرهنگی و حاکم کردن فرهنگ و الگوی لیبرالیسم فرهنگی سیاسی را رقم بزند، ایجاد شبکه‌های اجتماعی برای بهره‌گیری در موقعیت‌های حساس مثل انقلاب‌های رنگی، بهره‌گیری از گروهک‌ها و جریان‌های نوپدید در راستای تقابل با نظام و واردکردن فشارهای حقوق بشری در حمایت از این جریان‌ها در همین راستا است. از این رو بدون شک یکی از اضلاع جنگ یا تهدید نرم جاری علیه ج.ا.ا گسترش و عرضه این سنخ معنویت‌های معارض با بنیان‌های اعتقادی انقلابی هست.

۴. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

بیانیه گام دوم مطرح‌شده از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (Khamenei.ir) (۱۳۹۷/۱۱/۲۲) در راستای تقویت و استمرار اندیشه انقلاب اسلامی است، اندیشه‌ای که توانست بیش از چهار دهه در قالب نظام جمهوری اسلامی در برابر انواع فشارهای نظام سلطه به بلندگی خود ادامه داده و گام‌های بلندی در راستای ایجاد تمدن نوین اسلامی بردارد. تمدنی که در پی رساندن انسان‌ها و جوامع به حیات طیبه است، حیاتی دور از هرگونه افراط و تفریط، سرشار از معنویت و ایمان این حیات بر دوپایه اساسی ایمان و عمل صالح است. «مراد از احیاء، بخشیدن و افاضه حیات و زندگی است و آیه شریفه (آیه ۹۷ سوره مبارکه نحل) دلالت دارد که خداوند سبحان، انسان باایمانی را که عمل شایسته و صالح انجام می‌دهد با زندگی جدیدی

اکرام می‌کند که غیر از زندگی معمول مردم است و آثار زندگی حقیقی، علم و قدرت را با زندگی جدید همراه و همگام می‌کند و این درک جدید و قدرت باعث می‌گردد چنین فرد مؤمنی چیزها را چنان ببیند که هستند؛ یعنی می‌تواند امور و اشیاء را به دو قسم حق و باطل تقسیم کند. سپس با قلب و روحش به امور باطل پشت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲)، بنابراین چشم‌انداز ارائه‌شده از آینده جامعه انقلابی در بیانیه گام دوم، حیات طیبه است جامعه‌ای که با بهره‌مندی اعضای آن از کمال معنوی و اخلاقی تمدنی را پی‌ریزی می‌کنند که گفتمان معنوی آن با پاسخ به نیاز معنوی انسان عصر مدرنیته می‌تواند بحران‌های نظام سرمایه‌داری از قبیل اختلاف شدید طبقاتی حاکمیت سرمایه در مناسبات جوامع علم‌زدگی و تبدیل شدن قدرت مادی به مشروعیت بخشی را حل کرده و به‌عنوان یک الگوی تمدنی جامع قابلیت به انزوا کشاندن و حذف گفتمان‌های مادی‌گرایانه و سکولار را دارد.

۵. شاخص‌های معنوی انقلاب اسلامی

شاخص در لغت یعنی بلند برآمده از هر چیزی اما در اصطلاح به معنی مشخص کردن هر موضوعی و یا یکی از اجزای ضروری برای ارزیابی کلی میزان پیشرفت است (صنایع، ۱۳۹۲، ۲۲۳) در تعاریف دیگری هم شاخص به‌عنوان برخی از جنبه‌های رفتاری یا عملکرد نظام یا سازمان گفته‌شده است؛ بنابراین شاخص راهنمایی است که در کمترین زمان ممکن ماهیت و هویت وجودی چیزی را نشان می‌دهد، یا راهنما و ملاکی که وجود یک پدیده را نمایان می‌کند.

شناخت شاخص‌های معنویت اصیل می‌تواند ما را در برابر آسیب شبه معنویت‌ها مصون دارد و در گستره وسیع معارف و حیانی، زوایا و ابعاد حیات معنوی انسان کامل و نائل به حیات طیبه تبیین شده است، این شاخص‌ها در سه عرصه: بینش، کنش و منش قابل بررسی است؛ در عرصه بینش، معرفت خداوند، کسب رضایت و رسیدن به قرب او، اولین و اساسی‌ترین بینش معنوی محسوب می‌شود (بقره ۱۸۶) در این عرصه عبادت انسان، زندگی و مرگ او برای خداوند عالمیان است (انعام/۶۲) انسانی که به‌عنوان خلیفه‌الله (فاطر ۳۳۷) و مستعد رسیدن به مقام قرب الهی شناخته می‌شود (الحجر ۲۹)؛ اما در عرصه کنشی عمل انسان معنوی دارای حسن فعلی و حسن فاعلی است یعنی عمل صالحی که با انگیزه کسب رضای خداوند انجام می‌شود (انسان ۹) و دارای روح عدالت بوده (نحل/۹۰) بدی‌ها را با خوبی پاسخ می‌دهند (نحل ۱۲۶) به جهاد با نفس می‌پردازد (یوسف ۵۳).

در عرصه منش انسان اهل معنی قلبی سرشار از محبت حق تعالی و اولیاء او دارد (بقره/۱۶۲) اهل توکل به خداوند هست (مائده/۲۳) هم رضای خداوند را کسب کرده‌اند و هم آنان از خداوند راضی هستند (مائده/۱۳۰) اهل معنی همواره صبر را سرلوحه اخلاق خود قرار داده و در برابر ناملایمات خویشتن‌دار هستند (طه/۲۷-۲۴) ایمان و توکل انسان مؤمن او را از دایره خوف و رجاء الهی خارج نکرده و همواره بر نقطه اعتدال میان این دو عمل می‌کند (انفال/۲) آنان عفو و گذشت (نور/۲۲) شکرگزاری (سبأ/۱۳) پرهیزکاری و دوری از معصیت (بقره/۲) انفاق در راه خدا و کمک به نیازمندان (بقره/۳) امر به معروف و نهی از منکر، دوری از تکبر و خودبرتربینی (فرقان/۱۲) عفت و پاکدامنی (مؤمنون/۵۶) وفای به عهد (رعد/۲۰) جهاد در راه خدا (حج/۷۸) و اخلاص در عمل را به عنوان ویژگی اخلاقی و رفتاری خود برگزیده‌اند

این شاخصه‌های معنوی انقلاب که همواره نقش پیشران و تحول‌آفرین در صحنه‌های مختلف تاریخ انقلاب اسلامی داشته است، در بیانات امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران (صحیفه نور، ۱۳۸۹، ج ۶، ۴۷۸) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (بیانات، ۱۳۸۹/۱/۱) مورد توجه قرار گرفته است، چنانکه تأکید ایشان بر شاخصه‌هایی از قبیل: ارزش جهاد و شهادت، اعتماد به مردم، اجتناب از اشرافی‌گری، شجاعت در برابر هیبت دشمن بیانگر اهمیت و نقش خاص این عناصر در گفتمان معنوی انقلاب اسلامی ایران است.

جدول ۱. شاخص‌های معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی

ردیف	شاخص	تحلیل
۱	معرفت به خدا و کسب رضایت خدا	باعث می‌گردد انسان در مسیر قرب الهی قدم بردارد و نه تنها برای جامعه الهی مانع نباشد، بلکه در مسیر پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی قدم بردارد.
۲	عقل‌گرایی معنوی،	باعث مقابله مردم در برابر خرافات است
۳	اخلاص	باعث تقویت روحیه خدا‌گرایی و تجلی روحیه جهاد و شهادت می‌شود

۴	ایثار و فداکاری	مبتنی بر روحیه جمعی است و روحیه اجتماعی افراد را افزایش داده و جامعه را پویاتر می‌سازد و هم‌چنین وحدت مذکور باعث پس زدن تکثرگرایی در فرقه‌ها می‌شود.
۵	محبت به خدا و اولیای خدا	روحیه محبت به خدا و اولیاء او باعث وحدت جامعه می‌گردد.
۶	معنویت همراه با صبر	باعث می‌شود افراد در برابر ناملایمات خویشتن‌دار باشند و در مشکلات به دیگران آسیب نزنند.
۷	تقوای الهی	سبب تقویت تمام فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی در جامعه می‌گردد و باعث تقویت روحیه امر به معروف و نهی از منکر می‌گردد و همین نشان‌دهنده عدم بی‌توجهی افراد جامعه نسبت به جامعه خویش است.

۶. گفتمان شبه معنوی رقیب

بازخوانی وضعیت پارادایم معنویت‌گرای رقیب که عمدتاً ناشی از امواج فرهنگ غربی است، نیازمند بررسی سیر تفکر و فلسفه در جهان غرب است، مهم‌ترین نقطه عطف تاریخی و فرهنگی در این زمینه پدیده رنسانس است، این اتفاق تاریخی که منشأ تمامی تحولات در اروپا شد، اساسی‌ترین تأثیر را بر ماجرای معنویت گذاشت، در توصیف این مراحل به چهار مرحله معنویت زدایی از طبیعت، معنویت زدایی از عقل، معنویت زدایی از جان، و معنویت زدایی از طبیعت انسانی یا فطرت تقسیم می‌شود؛ بنابراین در عصر مدرنیته، فرهنگ غرب ارضاء نیازهای مادی را مهم‌ترین اولویت خود تعریف کرد و تأکید فیلسوفان، فیزیکدانان و جامعه‌شناسان بر مسائل عینی و پوزیتیویستی منجر به تأسیس عقل مدرنی شد که منفصل از وحی بود، ادوین آرتور برت در وصف جهان‌بینی نیوتنی تصریح می‌کند: «در قرن هجدهم که ردای دین را از تن جهان‌بینی نیوتنی به درآوردند پشتوانه‌های متافیزیک زمان و فضای مطلق هم فرو ریخت و معنویت زدایی از طبیعت را تکمیل کرد» (آرتور برت، ۱۳۶۹، ۱۶۳).

رویکرد جوامع غربی به معنویت و نیاز انسان مدرن به این نوع معنویت از آنجا ناشی شده که

مشکلات زندگی و عجز علم و عقل جدید در حل آن، انسان امروزی را دچار نوعی سردرگمی و بی‌معنایی کرده است، از این رو در جستجوی چیزی است که برای او شادی، نشاط، آرامش، هدفمندی و معنا را به وجود آورد که این امر با بعضی از معنویت‌های کاذب امروزی، می‌تواند به آن دست‌یافت. این معنویت‌ها برای به دست آوردن آرامش، شادی و هدف و دوری از سردرگمی، ناراحتی و کسالت، نیازی به خدا و معاد و نبوت نمی‌بینند. با توجه به نگاه اومانستی و انسان‌گرایانه در جریان‌های نوپدید دینی، مسائلی چون آرامش، خلسه، مدیتیشن، تمرکز، خودآگاهی، و حتی خود‌خدایی در این جریان‌ها بسیار برجسته است که همین امور نیز، بیانگر اهمیت فردگرایی و نفس‌انسان در اندیشه آن‌ها است.

۷. معنویت‌های نوپدید و چالش آن با معنویت اصیل

اومانسیم، مهم‌ترین قدر مشترک معنویت‌های نوپدید است، اومانسیم، با محور قرار دادن انسان، باعث سکولاریسم و سرمنشأ دنیاگرایی گردید. طبق این مکتب، نظام تکوین و نظام تشریح و قانون‌گذاری باید مطابق خواسته‌های انسان باشد و در این امر انسان باید صرفاً به عقل و دستاورد معرفتی خویش اعتماد کند و دیگر نیازی به موجود ماورایی و کسی که به تشریح پردازد، ندارند و این دین، در واقع دین انسانی است، درحالی‌که عرفان اصیل اسلامی، فرد و اراده آزاد و تمایلات فردی او اصیل نبوده، اما فردگرایی اومانستی، اصالت اراده فرد بدون هیچ‌گونه اجبار و تکلیف است. (حمیدیه، ۱۳۹۲، ۷۹)

بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های معنویت‌های نوپدید مانند عرفان‌های سکولار و اومانستی، جایجا کردن محور شناخت از خدا به انسان یا چیزهای دیگر و نادیده گرفتن خدا به‌عنوان هدف غایی است. در بعضی از این شبه معنویت‌ها یا اساساً اعتقادی به خدا وجود ندارد و یا بعضاً ارائه تفسیری نامعقول از خدا به انگیزه انکار خدای حقیقی است.

سکولاریسم، یکی دیگر از تمایزات معنویت‌های نوپدید با معنویت اصیل است تأکید آن‌ها بر جدایی دین از سیاست و لزوم عدم دخالت در مسائل حکومتی و سیاسی، ناشی از نگاه این جریان‌ها به دین است که آن را تجربه‌ای می‌دانند که فرد در درون خود کسب می‌کند و لذا کاملاً یک امر فردی است. بنابراین، نباید کاری به حکومت و سیاست‌گذاران حکومتی داشته باشند. (دین اسرارآمیز و خصوصی، بهترین بازنمای فرهنگ دینی دمساز با جهان سکولار است. این نوع دین‌داری را می‌توان

بدون تعارض با نقش‌ها و وظایف شغلی روزمره به کار بست؛ زیرا فعالیت‌های آن محدود به زمان‌ها، مکان‌ها و امور بسیار خاصی است و از این حیث، کمترین چالش و مزاحمت را برای امور جدی و جاری حیات فردی و اجتماعی پدید می‌آورد. (همیلتون، ۱۳۸۶، ۳۱۳) بنابراین سکولاریسم متعالی به معنای تقلیل دین اصیل به معنویت صرف و خالی از فقه و احکام است.

معاد گریزی و تناسخ، یکی از وجوه تمایز معنویت‌های نوپدید با ادیان سنتی، نفی معاد و جهان آخرت است که از رهگذر قانون کارما یا تناسخ، مطرح می‌گردد. این قانون با مسئله معاد و جهان پس از مرگ در تضاد کامل هست و لذا به وسیله اومانیسیت‌ها و مدعیان جریان‌های نوپدید، به شدت مورد توجه قرار گرفته است. در عرفان‌های غیردینی اصولاً، غیر از این دنیا، مرحله دیگری برای زندگی انسان قائل نیستند و تعالیم آن‌ها، هر چه باشد، به کیفیت زندگی آدمی در همین جهان مادی خلاصه می‌گردد. تناسخ باوری، یکی از خرافات شایع در میان، این جریان‌ها است.

شریعت گریزی بعد دیگر چالش‌های معنویت‌های نوظهور، مسئله شریعت ستیزی و نفی مناسک دینی است، از این رو عمده این جریان‌ها، با شریعت و آئین‌های ادیان دیگر، مخصوصاً اسلام مبارزه می‌کنند. این در حالی است که در عرفان اصیل اسلامی، عمل به شریعت، برای رسیدن به حقیقت امری ضروری شمرده شده و کسی که از مسیر شریعت حرکت نکند، از حقیقت محروم می‌گردد؛ در واقع رسیدن به خدا و بندگی حقیقی در گرو شریعت‌مداری انسان است و تنها کسی می‌تواند مدعی راستین محبت خدا باشد، که به خواسته‌های خدا اهمیت داده و آن‌ها را محقق سازد، اما در مقابل، جریان‌ها عرفان نما، تصریح می‌کنند که شریعت، هیچ تأثیری ندارد. به‌طور مثال: پائولو کوئلیو در کتاب‌های خود علیه دستورات شرعی و مقررات دینی مبارزه می‌کند و سعی دارد که با از بین بردن قبح گناه، انکار بعد شرعی دین (کوئلیو، ۱۹۶۰، ۳۴) و غیره به مبارزه با شریعت ادیان می‌پردازد و یا توییچل پایه‌گذار مکتب انکار نیز، وجود جهنم را رد می‌کند و آن را وسیله‌ای برای کنترل بشر می‌داند. (توییچل، ۱۳۸۰، ۳۲)

یکی از تفاوت‌های عمده جریان‌ها و فرق نوپدید با معنویت اصیل تفاوت در حوزه کاربردی و کارکردی آن‌ها است بدین معنی که رویکرد مدعیان این معنویت‌های جدید به‌عنوان ابزاری شبه مادی که این قابلیت را دارند تا زندگی دنیوی افراد را ارتقاء داده و زمینه تلذذ و بهره مادی او را افزایش دهد نگاه می‌شود.

درمانگری از علل گرایش به جریان‌های نوظهور وضعیت روحی و روانی بشر در دنیای مدرن امروزی است که با مشکلات عدیده‌ای روبرو گردیده است و به دنبال یافتن آرامش هست. این در حالی است که با حذف دین، این خلأ معنوی و روانی باید به نحوی جبران گردد.

انزواطلبی و آرامش فردگرا از دیگر ویژگی‌های این جریان‌ها، انزواطلبی و ترویج دوری از فضای اجتماعی، به‌منظور کسب توجه و تمرکز هست. این جریان‌ها شبه معنوی عموماً به دنبال ایجاد حالات معنوی «فردی» و «شخصی» هستند تا فرد به یک حالت خلسه و آرامشی دست پیدا کند، درحالی‌که دین اسلام، عزلت‌گزینی، انزوا، و بروز چنین حالت‌های بی‌خاصیتی را که در اثر گوشه‌نشینی برای آدمی رخ می‌دهد، رد می‌کند. یوگا، مدیتیشن، تمرکز، جلسات خاص خودی و آرام کردن خود، از راه‌های این عرفان‌ها برای دور کردن افراد از فضای اجتماعی هست.

اصالت لذت، کسب لذت و ارضای امیال مادی انسان، مهم‌ترین مسئله در اندیشه اومانیسم هست، هدفی که همه امکانات دنیا بایستی در اختیار انسان قرار گیرد تا او بتواند هر آنچه اسباب آسایش و لذت او را فراهم می‌کند به دست آورد، معنویت‌های نوظهور در این مسئله با انسان‌گراها دارای نقاط مشترک فکری و عملی می‌باشند، آنچه غالب عرفان‌های نوظهور برای آن تبلیغ می‌کنند، رسیدن به لذت و خوشی است که در تعالیم آن‌ها وجود دارد که این یکی از خواسته‌های بشر امروزی هست. در این جریان‌ها، نه تنها از گرایش به دنیا منع نشده است، بلکه دنیاگرایی تأیید هم شده است و به‌عنوان یک هدف از آن یاد شده است. به همین علت غایت عالی و هدف نهایی بسیاری از عرفان‌های نوظهور، امور دنیوی و مادی و این جهانی، هست موضوعی که با معنویت اصیل در تعارض است. (شریفی، ۱۳۹۰، ۱۸۹).

محوریت مکاشفه و کارهای خارق‌العاده این عرفان‌ها سعی دارند با انجام یکسری کارهای خارق‌العاده همچون تصرف در طبیعت، طی الارض، طی‌الماء، زندگی‌های آسمانی، بشقاب‌پرنده‌ها و غیره آموزه‌های خود را شبیه عرفان کنند، در صورتی‌که حتی در عرفان اسلامی نیز این امور هدف نهایی نیست. اما برعکس در بسیاری از عرفان‌های جدید هدف و غایت و مطلوب، قدرت تصرف در طبیعت و دستیابی به نیروهای مرموز غیبی است و چنین امری ستایش و ترویج می‌شود. چنانچه چنین بینشی در عرفان شمنیسم (طبیعت‌گرای وهم‌گرا) حاکم است. (مظاهری سیف، ۱۰۳)

فرقه‌گرایی یکی از مهم‌ترین مشکلات ایجادشده توسط جریان‌های نوپدید معنوی، گسترش و رشد

فرقه‌گرایی است، معضلی که به تدریج هویت جمعی و فرهنگی جامعه را دچار اختلال کرده و هنجار پذیری اجتماعی و سیاسی فرد را دچار آسیب جدی می‌کند، قرار گرفتن افراد در ساختار فرقه، غالباً به مفهوم هویت جدید هست، هویتی که با هویت کلان جامعه در تضاد بوده و زمینه‌ساز کج‌روی‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی هست، از این رو فرقه را می‌توان زمینه‌ساز واگرایی و عدم تجانس در جامعه دانست. در این میان تأکید بر رهبر و مراد به‌عنوان یکی از عناصر مهم در تأثیرگذاری اجتماعی یک فرقه، به صورت آشکار قابل مشاهده هست. بنابراین در بسیاری از این جریانات، فردی در رأس آن جریان وجود دارد که در شکل‌گیری اولیه آن جریان بسیار مؤثر بوده است و اعضا نیز، پس از به عضویت درآمدن به آن جنبش و جریان، از آن رهبر و رئیس، بی‌چون‌وچرا اطاعت می‌کنند. در این جریان‌های شبه عرفانی، بنیان‌گذاران و رهبران این گروه‌ها بر پیروان خود تسلط و کنترل مطلق دارند و خود و پیروانشان را خیر مطلق و دیگران را گمراه و شر مطلق معرفی می‌کنند. (ضابط، ۲۳۸۴) این در حالی است که آن‌ها به هیچ دین و آئینی پایبند نیستند، اما معتقدند که به دلیل برخورداری از ویژگی‌های خاص و طی کردن مراحل عرفانی، افراد پیرو باید بی‌چون‌وچرا از آن‌ها اطاعت نمایند. شخصیت محوری و اتکا بر قدرت کاریزماتیک افراد شخصیت محور خصیصه‌ای است که سبب شده است این جریانات اکثراً حول یک نفر بچرخند و با مرگ یا غیاب آن فرد، آن جریان از حرکت بایستند و با اتکا بر تعالیم و آموزه‌هایش هم نتوانند ادامه حیات دهند. (شاکر نژاد، ۴۸۸۸)

استفاده از ابزارهای مادی برای رسیدن به شهود و مکاشفه یکی دیگر از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های این جریانات، استفاده از مواد مخدر، موسیقی و ابزارهای مادی دیگر برای رسیدن به شهود، هست. برای مثال در برخی از این جریانات، مواد توهم‌زا و تجربه حالات غیرعادی را جایگزین شهود حقیقی کردند. درحالی‌که در عرفان، رسیدن به شناخت، از طریق شهودی و از راه دل و تهذیب نفس صورت می‌گیرد.

خرد گریزی از دیگر ویژگی‌های این جریان‌ها برای جذب و گمراهی مخاطبین خود است. آن‌ها برای فرار از مشکلات و مسئولیت‌پذیری، به عقل ستیزی روی آورده‌اند تا به آرامش دست پیدا کنند، اما درواقع آن‌ها به یک نوع آرامشی می‌رسند که اصلاً مبنای عقلانی ندارد. چنانچه اشو با الفاظ مختلف و به مناسبت‌های گوناگون علیه عقل و منطق و فلسفه سخن می‌گوید. (اشو، ۱۳۹۰، ۲۰۶)

در مبانی برخی از فرقه‌های معنویت‌گرا به اصل مهم نفی ذهن برمی‌خوریم. آن‌ها برای رسیدن به عشق، عقل را کنار می‌گذارند که در واقع، کنار گذاشتن عقل، ذهن و استدلال، نفی تفکر است. در حالی که بسیاری از جریانات عرفان نما، آدمی را به تخلیه ذهن از هرگونه تفکری سفارش می‌کنند، ولی عرفان دینی با دعوت به تفکر و تدبیر در حقایق، بازداشتن از خاطرات و خیالات باطل و بیهوده، قدرت اندیشه را در آدمی تقویت کرده و به کمال می‌رساند. البته در عرفان اسلامی نیز مفاهیم فراعقلی وجود دارد، اما آن‌ها بنیاد عقلی دارند و عقل ستیز نمی‌باشند. در اسلام به دلیل برخورداری از عرفان نظری که به دنبال گره زدن عرفان و معنویت با استدلال است، از یک‌طرف خرافات در این نوع عرفان جایی ندارد و از سوی دیگر به بهانه نفی خرافات، ماورای عقل و متافیزیک، انکار نمی‌شود.

ترویج پذیرش ستم هم از دیگر موارد تضاد است، از آنجاکه طیف غالب این عرفان‌ها برای خدمت به استعمار نو و توجیه فرهنگ و تمدن مادی و مدرن غرب به میدان آمده‌اند، یکی از ویژگی‌های بارز آن‌ها ستم‌پذیری (مظاهری سیف، ۱۳۹۲، ۵۸) آن‌ها هست. در حالی که دین اسلام و به‌خصوص مکتب تشیع یکی از خصوصیات بارز آن‌ها دوری از ظلم و تن ندادن به ظلم هست، چنانچه امام حسین (علیه‌السلام): «مرگ باعزت را بهتر از زندگی با ذلت «مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۳۹) می‌دانست، اما این عرفان‌ها روحیه عزت را در بین پیروان خود از بین می‌برند و ظلم‌پذیری و ستم‌پذیری را به‌عنوان یک آموزه و تعالیم اخلاقی معرفی می‌کنند. به همین علت این جریانات عرفان نما غالباً روحیه‌ای انفعالی و جبرگرا دارند و با پذیرش جبر زندگی و ناتوانی انسان در التیام بخشیدن به رنج‌ها توصیه می‌کنند که پیروان به‌جای تغییر زندگی، فکر خود را عوض کنند، از این‌رو توصیه به خوب نگاه کردن، مثبت فکر کردن، شستن چشم و غیره در این جریانات به‌طور فراوان شنیده می‌شود. در واقع آن‌ها سعی دارند که با مراقبه، آرامش، تمرکز و غیره، انسان امروزی را که از زندگی مدرن خسته شده است، آرام کنند و به نحوی کمبود دین را برای آن‌ها جبران کنند. چنانچه به‌وضوح این امر در آموزه‌های افرادی چون، ماها ریشی ماهش بنیان‌گذار تی.ام (شاکرنژاد، ۱۳۸۸، ۴۸) دیده می‌شود.

بنابراین با مشاهده آموزه‌های این جریانات، مشاهده می‌شود که هیچ‌گونه برنامه‌ای برای اصلاح جامعه و برپا کردن اجتماعی سالم وجود ندارد و به عدم مسئولیت‌پذیری انسان در برابر خدا و جامعه

دعوت می‌کند و حتی، در پی تئوریزه کردن ظلم و نهادینه کردن ظلم پروری در جامعه هستند. چنانچه «لی‌هنگجی» می‌گوید: «تو حتی باید از کسانی که به تو اهانت هم کردند، تشکر هم بکنی» (هنگ جی، ۲۸). در واقع این تعالیم باعث ترویج ظلم در جامعه می‌شود و به‌نوعی این عرفان‌ها سعی در تئوریزه کردن تسلیم طلبی و سازش‌کاری و دعوت به صلح با ستمگران رادارند.

تکثرگرایی معرفتی و دینی عرفان‌های نوظهور جنبه دیگری از تقابل با عرفان اصیل است آن‌ها برای جذب اعضای بیشتر از ادیان مختلف، همواره بر ماهیت پلورالیستی گروه خود تأکید دارند و خود را مبلغ یک صراط مستقیم نمی‌دانند، بلکه سائر ادیان و جریان‌های نوظهور را نیز در مسیر حق تعریف کرده و معتقدند که هر یک بهره‌ای از حق رادارند. (انواری، ۱۳۹۲، ۱۷۴) این گروه‌ها حتی برای جذب مخاطب، دین اسلام را نیز پلورالیستی تعریف کرده و اشخاصی چون مولوی و ابن عربی را به‌عنوان چهره‌های مطرح پلورالیست در اسلام، معرفی می‌کنند.

این تکثرگرایی به‌وضوح در جریان‌های نوپدید، بروز و ظهور دارد، تجویز نوعی سهل‌انگاری، شریعت‌گریزی و اباحه‌گری دینی است طرفداران این جنبش‌ها را به انتخاب و پذیرفتن شکلی از پلورالیسم دینی و تحمل ادیان دیگر و ادار ساخته که منطقاً، مخاطب را به پذیرش جریان‌های مزبور، تشویق می‌کند و حتی بسیاری از آموزه‌های این جریان‌ها، آمیزه‌ای از ادیان و دیدگاه‌های مختلف می‌باشند. در تعالیم بعضی از این جریانات، بیان می‌شود: فرق نمی‌کند که شما کدام دین و آیین را انتخاب کنید؛ زیرا حقیقت واحد است و همه ادیان می‌توانند حقیقت باشند.

نمادگرایی یکی دیگر از ویژگی مشترک آن‌ها، استفاده از نمادها است که این امر باعث تسهیل در تبلیغ آموزه‌هایشان می‌کند. با بررسی جریانات عرفانی مختلف، مشاهده می‌شود که آن‌ها از نمادهای مختلفی برای معرفی خود و تبلیغ آموزه‌های خود استفاده می‌کنند. نمونه بارز این امر، جریان شیطان‌پرستی است، که امروزه نماد آن بدون

توجه در میان اقشار گوناگون جامعه رواج دارد. شاید یکی از دلایل گرایش جوانان همین راحتی در استفاده از نمادها باشد. درحالی‌که عرفان نظری آموزه‌های آن برای جوانان سخت و گاهی غیرقابل فهم است، اما در بیشتر این عرفان‌ها از نمادهای مختلف بسیار بهره‌برداری می‌شود چنانکه اشو باهدف تقدس‌زدایی از اماکن مذهبی ادیان و نفی نمادهای دینی می‌گوید: «خدا را نمی‌توان در

معبدها یافت؛ معبدها به دست انسان ساخته شده‌اند» (همان ص ۳۶) از سوی دیگر به جواز بت‌پرستی فتوا می‌دهد! آن‌هم با این استدلال که خدا همه‌جا هست: (خداوند در همه‌جا هست؛ پس چگونه می‌تواند در بت‌ها نباشد؛ پس او در یک بت سنگی نیز هست. اگر او در یک قطعه سنگ معمولی وجود دارد، چرا در یک سنگ کنده‌کاری شده نباشد! پس نیازی نیست که بت دیگری یا پرستشگاه دیگران را تخریب کنیم.) (اوشو، ۱۳۸۴ ص ۳۶)

ایجاد مکان مقدس اختصاصی از دیگر شگردهای معنویت‌های مخملین است. آنان به منظور اعطای هویت جمعی و دینی به پیروان و مریدان خود، مراکز ویژه‌ای برای پایگاه و محل انجام مناسک فرقه تأسیس می‌کنند.

تفاوت‌های بالا نشان می‌دهد که تفاوت معنویت‌های نوپدید و معنویت سنتی و یا اصیل صرفاً یک تفاوت ساده و سطحی نبوده، بلکه این تفاوت‌ها در ساحت‌های مختلف، قابل مشاهده است که در چندین عنوان محتوا، اهداف و مبانی قابل دسته‌بندی است؛ چنانکه درحالی‌که مطرح بودن غایات مادی و روانی در معنویت مدرن کاملاً نمودار است؛ اما در عرفان اصیل هدف بودن دنیا و غرض آلودگی انحراف و گناه بوده و دوری از عرفان حقیقی است و یا شفابخشی از طرق مختلف، به‌عنوان هدف و ابزاری برای جذب مخاطبین خود در این عرفان‌ها، به‌صورت جدی دنبال می‌شود. حتی در این جریان‌ها، سیر و سلوک حقیقی و درواقع طریقت به‌عنوان یکی از مراحل عرفانی، دنبال نمی‌گردد و صرفاً مسائلی چون مراقبه مدیتیشن، رسیدن به سطح آلفا و غیره مطرح می‌گردد که درواقع کلمات مبهمی هستند که جایگزین مسلک عرفانی اصیل می‌شوند.

درمجموع، می‌توان جریان‌ها و فرق نوپدید را با ویژگی‌های ذیل معرفی کرد:

گروه‌هایی که ادعای معنویت و عرفان داشته و در آن‌ها غال با رهبر فرهمندی در رأس امور آن‌هاست، جزمیت درباره یک عقیده، توقع اطاعت محض از پیروان، اومانیسم معنوی، عضوگیری غیرمعمول، توجه به ادیان سنتی و بهره‌مندی التقاطی از آن‌ها، غلبه احساسات بر عقلانیت، نقد ادیان سنتی معنویت‌های موردپذیرش جامعه به‌ویژه شریعت گریزی، باور به نظم و دگرگونی‌های آخرالزمانی، اعتقاد به تناسخ و پذیرش قانون کارما، خدمت به دیگران، تعصب زدایی نسبت به اعتقادات قبلی و در اولویت قرار دادن آسیب دیدگان اجتماعی، زنان جوانان برای جذب اعضاء،

داشتن نگاه انتقادی به تمدن مدرن، استفاده فراوان از موضوعاتی چون شادی، درمان، موفقیت و ارتباط با عوالم دیگر به‌منظور جذب افراد. ازجمله ویژگی‌های مشترک این جریانات با یکدیگر و نقطه تمایز آن‌ها با عرفان سنتی و اصیل است.

البته نمی‌توان ادعا کرد که تمام این ویژگی‌ها در تمام جریانات عرفان نما به یک اندازه وجود دارد، بلکه باید گفت اکثر این ویژگی‌ها در بیش‌تر جریانات مذکور هست و رنگ و بوی کلی آن‌ها چنین است. هرچند در میزان بهره‌مندی از این ویژگی‌ها بین آن‌ها تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد.

جدول شاخص‌های معنویت گفت‌وگو رقیب انقلاب اسلامی

ردیف	شاخص	تحلیل
۱	اومانیزم	با محور قرار دادن انسان، باعث دنیاگرایی انسان‌ها و بی‌خدایی گردیده است.
۲	سکولاریسم	با تأکید بر جدایی دین از سیاست و لزوم عدم دخالت در مسائل حکومتی و سیاسی، افراد را در عرصه‌های مختلف منزوی می‌نماید.
۳	معاد گریزی و تناسخ	انسان را به پوچی و بیهودگی و حتی خرافه گرایی می‌رساند.
۴	شریعت گریزی	باعث دوری از بندگی خدا و نرسیدن به حقیقت می‌شوند
۵	لذت‌گرایی صرف	حس انسان را در تله لذت و بهره مادی افزایش داده و او را از مسئولیت‌پذیری و تحمل رنج‌های محتمل دور می‌کند.
۶	درمانگری	گرچه ظاهراً مطلوب است با حذف دین و خلأ معنویت دینی، آرامش همیشگی نصیب آن‌ها نمی‌شود.
۷	انزوایی و آرامش فردگرایانه	باعث گسست روابط اجتماعی و تکثر اجتماعات و جمعیت‌های نامطلوب و فرقه‌گرایی می‌گردد.

۸	استفاده از ابزارهای مادی	برای رسیدن به شهود و مکاشفه از مؤلفه‌های این جریانات است که باعث ترویج استفاده از مواد مخدر، موسیقی و ابزارهای مادی در بین پیروانشان می‌شود.
۹	عقل ستیزی	به خاطر جذب مخاطبانشان باعث گمراهی آنها و ترویج خرافه گرایی و تنزل تحلیل‌هایشان می‌شود.
۱۰	ترویج پذیرش ستم	باعث سلطه‌پذیری افراد در جهت اهداف سلطه گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی و نظام سلطه می‌گردد.
۱۱	تکثرگرایی معنوی	باعث سهل‌انگاری، شریعت‌گریزی و اباحه‌گری دینی است.
۱۲	نمادگرایی	باعث تسهیل در تبلیغ آموزه‌هایشان و تسهیل در فریب دادن پیروانشان می‌شود.

۸. نتیجه‌گیری:

انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر معنویت به‌مثابه قدرت نرم که مؤلفه‌ای مهم و محوری در بیانیه گام دوم انقلاب است، توانست در پیشبرد اهداف راهبردی انقلاب موفق باشد و با تکیه بر بنیان‌های معرفتی و معنوی نظام سلطه را به چالش بکشاند. اما نظام سلطه نیز برای به چالش کشیدن گفتمان انقلاب اسلامی به شگردهای مختلفی روی آورده که اشاعه معنویت کاذب و ارائه قرائت‌های همسو با سکولاریسم از معنویت در اشکال مختلف از جمله آن شگردهاست. به همین جهت توجه مجدد و بازخوانی بیانیه گام دوم ضروری است که در بیانیه بر عنصر معنویت و اخلاق جهت پیشبرد اهداف انقلاب تصریح کرده و نقش بی‌بدیل معنویت را در راستای افزایش قدرت نرم انقلاب اسلامی مورد توجه قرار می‌دهد. در این تحقیق ضمن بازخوانی بیانیه و اهمیت نقش معنویت، شاخص‌های معنویت گفتمان انقلاب اسلامی تحلیل گردید و از این رهگذر با شاخص‌های گفتمان رقیب در شبه

معنویت مقایسه صورت گرفت.

معرفت به خداوند و کسب رضایت حق تعالی یکی از مهم‌ترین محورهای بینش معنوی محسوب می‌شود که باعث می‌گردد انسان در مسیر قرب الهی قدم بردارد و نه تنها برای جامعه الهی مانع نباشد، بلکه در مسیر پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی قدم بردارد. عقل‌گرایی معنوی، از جمله شاخص‌های گفت‌وگو انقلاب اسلامی در معنویت است که باعث مقابله مردم در برابر خرافات است، اخلاص، شاخص دیگر معنویت مورد نظر است که باعث تقویت روحیه خدا‌گرایی و تجلی روحیه جهاد و شهادت می‌شود. ایثار و فداکاری شاخص دیگر معنویت است که مبتنی بر روحیه جمعی است و روحیه اجتماعی افراد را افزایش داده و جامعه را پویاتر می‌سازد و همچنین وحدت مذکور باعث پس زدن تکثرگرایی در فرقه‌ها می‌شود. در عرصه منش انسان اهل معنویت، قلبی سرشار از محبت حق تعالی و اولیاء او دارد که باعث می‌شود به بندگان خدا خدمت کند و همین روحیه باعث وحدت جامعه می‌گردد. معنویت گفت‌وگو انقلاب اسلامی با صبر همراه است که باعث می‌شود افراد در برابر ناملایمات خویشتن‌دار باشند و در مشکلات به دیگران آسیب نزنند. تقوای الهی از دیگر شاخص‌های گفت‌وگو انقلاب اسلامی است که سبب تقویت تمام فضایل اخلاقی و دوری از ردایل اخلاقی در جامعه می‌گردد و باعث تقویت روحیه امر به معروف و نهی از منکر می‌گردد و همین نشان‌دهنده عدم بی‌توجهی افراد جامعه نسبت به جامعه خویش است.

شاخص‌های گفت‌وگو رقیب در معنویت و بلکه شبه معنویت عبارت‌اند از اومانیزم که با محور قرار دادن انسان، باعث دنیاگرایی انسان‌ها و بی‌خدایی گردیده است.

سکولاریسم، یکی دیگر شاخص‌های معنویت‌های نوپدید است که با تأکید بر جدایی دین از سیاست و لزوم عدم دخالت در مسائل حکومتی و سیاسی، افراد را در عرصه‌های مختلف منزوی می‌نماید.

معاد‌گریزی و تناسخ از دیگر شاخص‌های معنویت‌های نوپدید است که انسان را به پوچی و بیهودگی و حتی خرافه‌گرایی می‌رساند.

شریعت‌گریزی از دیگر شاخص‌های معنویت‌های نوظهور است که باعث دوری از بندگی خدا و نرسیدن به حقیقت می‌شوند

لذت‌گرایی صرف از دیگر شاخص‌هاست که حس انسان را در تلذذ و بهره‌مادی افزایش داده و او را

از مسئولیت‌پذیری و تحمل رنج‌های محتمل دور می‌کند. درمانگری از دیگر شاخص‌های معنویت‌های نوظهور است که گرچه ظاهراً مطلوب است با حذف دین و خلأ معنویت دینی، آرامش همیشگی نصیب آن‌ها نمی‌شود. انزوای و آرامش فردگرایانه از مهم‌ترین شاخص‌های این جریان‌هاست که باعث گسست روابط اجتماعی و تکرر اجتماعات و جمعیت‌های نامطلوب و فرقه‌گرایی می‌گردد. استفاده از ابزارهای مادی برای رسیدن به شهود و مکاشفه از مؤلفه‌های این جریانات است که باعث ترویج استفاده از مواد مخدر، موسیقی و ابزارهای مادی در بین پیروانشان می‌شود. عقل‌ستیزی از دیگر ویژگی‌های این جریان‌هاست که به خاطر جذب مخاطبان‌شان باعث گمراهی آن‌ها و ترویج خرافه‌گرایی و تنزل تحلیل‌هایشان می‌شود. ترویج پذیرش ستم هم از دیگر موارد است که باعث سلطه‌پذیری افراد در جهت اهداف سلطه‌گروها و سازمان‌های سیاسی و نظام سلطه می‌گردد. تکررگرایی معنوی هم از دیگر شاخص‌های این گفتمان است که باعث سهل‌انگاری، شریعت‌گریزی و اباحه‌گری دینی است. نمادگرایی یکی دیگر از ویژگی مشترک آن‌هاست که باعث تسهیل در تبلیغ آموزه‌هایشان و تسهیل در فریب دادن پیروانشان می‌شود.

فهرست منابع:

- قرآن کریم
آرتور برت، ادوین، ۱۳۶۹، مبادی مابعدالطبیعه علوم نوین، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، نشر علمی و فرهنگی
اشو، ۱۳۸۴/آواز سکوت، ترجمه سیدجواد حسینی، تهران، نشر هودین
افضلی، رسول و دیگران، ۱۳۹۷، مؤلفه‌های قدرت نرم نظام ج.ا.ا. و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره دوم، صص ۱۲۱-۱۴۲.
امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۹، صحیفه نور، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)،

انواری، محمد، بهار ۱۳۹۲، زمینه‌های معرفتی ورود و گسترش عرفان‌های نوظهور با تأکید بر آثار پائولو کوئلیو، *مطالعات معنوی*، شماره ۷، ص ۵۵.

بیانات رهبری khamenei.ir ۱۳۸۹/۷/۲۹

بیل، جیمز، ۱۳۳۸، جنگ، انقلاب و روحیه، جلد ۲، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع توئیچل، پل، ۱۳۹۰، *نامه‌هایی به گیل*، ترجمه هوشنگ اهرپور، نشر ایساتیس حمیدیه، بهزاد، ۱۳۹۲، «جنبش‌های نوپدید معنوی دین یا عرفان»، *مجله ادیان و عرفان*، بهار و تابستان شماره ۴۶، ص ۷۹.

زمانی، شهریار، ۱۳۸۴، *ماجرای معنویت در دوران جدید*، تهران، نشر فرهنگ اسلامی شاکر نژاد، علی «ماها ریشی و مدعای مکتب مراقبه متعالی»، *مجله اخبار ادیان*، شماره ۲۶، اردیبهشت ۸۸، ص ۴۸. شریفی، احمدحسین، ۱۳۸۹، *درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب*، نشر صهبای یقین صنایع، محمد (درآمدی کوتاه بر ظرفیت‌ها و شاخصه‌های توسعه فرهنگی) *فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۱۳، ص ۲۳۱

ضابط، حیدر رضا، ۱۳۸۷، «بررسی گروه‌های مذهبی غیرمتداول و نوظهور در جهان غرب (۱)»، تبیان طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۷، *فقه سیاسی*، تهران، چاپ ۴، نشر امیرکبیر

قوام شیرازی، صدرالدین محمد، ۱۳۹۷، *مفاتیح الغیب*، مترجم محمد خواجه‌جوی، تهران، نشر مولی کوئلیو، پائولو، ۱۳۹۶، *اعترافات یک سالک*، ترجمه دل ارام قهرمان، تهران، نشر بهجت کیانی، معصومه و همکاران، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، *مفهوم‌شناسی معنویت از دیدگاه اندیشمندان تربیتی غربی و مسلمان*، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، شماره دوم پیاپی ۱۴، صص ۹۷-۱۱۸ مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴، *بحار الانوار*، جلد ۴۴، بیروت، نشر دارالاحیاء

محمدی منوچهر، ۱۳۹۰، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم

مظهری، مرتضی، ۱۳۸۷، *مجموعه آثار*، جلد ۲۳، کتابخانه الکترونیکی، نشر صدرا مظاهری سیف، حمیدرضا، ۱۳۹۰، *جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور*، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ

موسوی جشنی، سیدصدرالدین، ۱۳۹۰، الگوی تحلیلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام / سال اول شماره یک پاییز .

نای، جوزف، ۱۳۹۲، آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران، نشر نی، چاپ ۵،

همیلتون، مالکوم، ۱۳۸۹، جامعه‌شناسی دین، (ترجمه محسن ثلاثی)، تهران، نشر ثالث

ویلسون، برایان، ۱۳۸۶، جنبش‌های نوین دینی (محدودیت‌ها و امکانات)، سارا شریعتی، تهران، نشر مرنندیز

New Religions in Global Perspective: A Study of Religious Change in the Modern World. Peter Clarke, P 40